

# چگونه در زندگی خصوصی هنرپیشگان کنجاوی می‌کنی؟

خاطراتی از یک نویسنده سینما

■ نویسنده: آنتیش پرم

■ مترجم: نسرين جوادزاده



اکنون هنگام آن رسیده که پرده از حقایق برداشته شود. در این دهه اخیر بیش از ۳۶۵۰ بار درباره شغلم مورد پرسش قرار گرفته‌ام. گاهی توسط دوستان نزدیکم بارها توسط کلکسیونرهای فیلم و از سوی دیگر از روزنامه‌نگاران فیلم. سؤال ناراحت‌کننده آنها این است که «چگونه در زندگی خصوصی هنرپیشه‌گان کنجاوی می‌کنی؟ آیا وجدان داری؟ تا به حال احساس گناه کردی؟» نه اینطور نیست. من هیچگاه برای انجام وظیفه‌ام احساس گناه نمی‌کنم. با تمام وجود وظایفم را انجام می‌دهم و احساس رضایت می‌کنم. نمی‌دانم وجدان دارم یا نه، زیرا هرگز احساس نکردم که نیاز به یافتنش دارم.

ده سال پیش از این، اتفاقی و به دلیل نیاز مالی، کاری در یک مجله فیلم گرفتم. از این کار لذتی نمی‌برم که بگویم یک روزنامه‌نگار سینمایی هستم زیرا نمی‌خواستم که این باشم. تحصیلاتم لیسانس می‌باشد و قبل از آنکه وارد این شغل شوم حتی یک خط هم نوشته بودم. اما هنگامیکه شروع به کار کردم با تمام توانم کوشیدم تا آن را به بهترین نحو انجام دهم. تمام کوششم را کردم تا آخر هر ماه با اطمینان از این که برای هر سکه حقوقم زحمت کشیده‌ام از آن لذت ببرم. کلماتی مانند شایعه، وجدان، گناه و روزنامه‌نگاری زرد، آبی یا سیاه اثری در ذهن من نداشت. همیشه یک فرصت، برابم به منزله یک موفقیت بود. یک مصاحبه هیجان‌انگیز، امتیاز به شمار می‌آمد. در میان دیوارهای بتونی و آجری دفتر کارمان هر ماجرا و مصاحبه ستارگان سینما را مورد بحث، گفتگو، تجزیه و تحلیل قرار می‌دادیم. و برایمان جذاب بود. این شگفتی که حتی وسیع‌تر از راه زندگی بود صنعت فیلم نامیده می‌شد. و ستارگان سینما چون «آمیثا» که خوراک روز ما بودند آن را بدین صورت درآورده بودند.

خوراک روز؟ ممکن است به ذهن شخصی نامطلع، سرد و بی‌روح باشد اما همینطور است مگر نه؟ بهره‌گیری از شغل بستگی به میل و انگیزه شخصی دارد اما تمامی روزنامه‌نگاران فیلم به یکسو توجه دارند. ستاره‌های سینما را می‌فروشیم. همینطور لذتها، غمها و ننگهایشان را. ما امیدها، آرزوها، شکستها و پیروزیهایشان را می‌فروشیم. و اغلب در این راه تصور می‌کنیم که تمایل داریم با آنها رابطه داشته باشیم.

اما آنها با این مسأله شدیداً برخورد می‌کنند: «ما تنها کالا نیستیم بلکه انسان نیز می‌باشیم.» البته که اینطور است همانگونه که ما چنین هستیم. هر مخلوق با شعوری روی این زمین یک انسان می‌باشد. تقریباً همه آسانسورچی ساختمانی که در آن سکونت داریم، نگهبان یک هتل پنج ستاره، آشپز، دندانپزشک، دوستداران امضاء و دست خط و نخست‌وزیر کشورمان. در یک روز عادی روی این زمین با مسایل ریز و درشت متفاوتی روبرو می‌شویم. و اکنون کدامین آن، جایگاه خاصی در ذهن ما دارد. بیشتر آنها فقط خصوصیات زندگی امروزه ما هستند. و آن را هر کس خودش بدست می‌آورد و دیگری بطور اتفاقی با آن برخورد می‌کند.

درست همانطور که آنها روزنامه‌نگاران فیلم را فقط وسیله‌ای برای ارتقاء شخصی توسط فیلمشان می‌دانند،

شیاطینی که آنها به ما نسبت می‌دهند؛ آنها نیز موضوعات و خوراک ما می‌باشند. مطمئناً منظور، توهین به هر دو طرف نیست.

هنگامیکه به دیدن یک ستاره سینما می‌رویم تا مصاحبه‌ای انجام دهیم می‌دانیم که پذیرفته شدن ما به موقعیت، هدف و نیاز آن ستاره سینما به شهرت، بستگی دارد. گاهی مورد استقبال قرار می‌گیریم، فرا خواننده می‌شویم و یا، پذیرفته نمی‌شویم. اگر من سردبیر بودم ممکن بود ترفیع بگیرم اما هرگز نبوده‌ام. یکی از همکارانم یک خانم روزنامه‌نگار، بدلیل آنکه «سانی دثول» او را چهار ساعت بیرون اطاق آرایش در انتظار گذاشته بود تصمیم گرفت شغلش را کنار بگذارد. «سانی» پس از گذشت چهار ساعت بدون آنکه به این روزنامه‌نگار نگاهی بیاندازد از کنارش عبور کرده بود و روزنامه‌نگار بدون توجه به خوانندگان، کارش را ترک کرد.

پس چرا این وظیفه برادری و با احساس بودن فقط بر عهده ما است. چه چیز باعث می‌شود تا ستارگان سینما تصور کنند که ما باید آنها را جدی‌تر از آن چیزی که آنان ما را می‌پندارند تصور کنیم؟ چه چیز باعث می‌شود که آنان انتظار داشته باشند تا ما با آنها عاطفی‌تر از آنگونه که ایشان با ما برخورد می‌کنند، باشیم؟ آیا این منصفانه است و انتظاری بی‌مفهوم نمی‌باشد؟

هر کاری شرایط مخصوص خود و هر کارمندی نیز ویژگی‌های خود را دارد. دانستن آنکه ستاره سینما یا یک گزارشگر فیلم کدامیک دیگری را تحت تأثیر قرار می‌دهد آسان می‌باشد اما سرانجام یک رابطه دوجانبه وجود دارد. پس از مطالعه یکصد مجله مرجع خارجی و دوپست مرتبه بحث در مورد لباسها، محبوب داستان، بهترین عکسها، آکشی کومار ساعت پنج صبح برای عکس گرفتن از خواب بیدار می‌شود موضوع اینجاست که آیا او اینکار را به خاطر مجله‌ها انجام می‌دهد؟

مصاحبه‌ها، عکسهای جذاب، گزارشهای هیجان‌انگیز، سخنان بی‌پرده، هیجانهای عاطفی، روابط نامصالحت‌آمیز، رفتارهای پسندیده‌ای که ستارگان سینما با ما دارند، فقط به سود خودشان است. ستارگان سینما هرگاه که مایل باشند همکاری می‌کنند و برعکس. و انتظار بیشتر از آنان منصفانه نمی‌باشد!

من می‌دانم که آنان هرچه در دلشان است بازگو می‌کنند، از زندگی شخصیشان سخن می‌گویند، یکدیگر را سرکوب می‌کنند و بیشتر اوقات بی‌دلیل یکدیگر را مورد تمسخر قرار می‌دهند و این حق قانونی را دارند که از خود چه بگویند و چه نگویند. پس این سروصداها در مورد

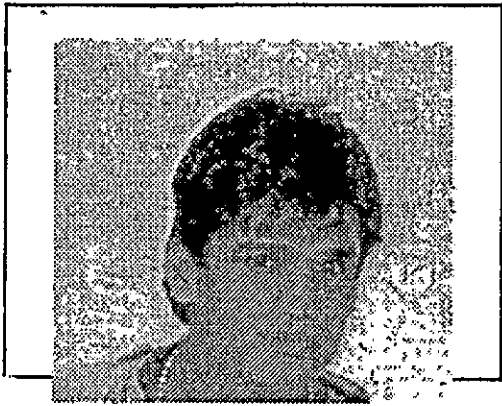
دخالت در امور شخصی، دیگر چیست؟ حتی دادگاه به شما این اجازه را می‌دهد تا به پاسخ سؤالی که یک حزب مخالف داده است اعتراض کنید. و در همین دادگاه شهادت دروغ یک نوع جرم محسوب می‌شود. جرمی که در صنعت فیلم، اغلب، ستارگان سینما مرتکب می‌شوند تا روزنامه‌نگاران. حتی اگر چیزی که باید نوشته شود بر ضد آنان باشد.

«بیشتر مطالبی که گزارشگران فیلم می‌نویسند چرند است.» این عبارتی است که ستارگان سینما می‌گویند وقتی که حقایق تلخند. چیزی که یک ستاره سینما مضر می‌داند آشکار شدن رفتار ناپسندانه او است.

من ستارگانی را که به طور کل با مجلات فیلم، به دلایل اصول اخلاقی و بدون در نظر گرفتن آنکه پرسشها به او یا دیگری مربوط می‌شود همکاری نمی‌کنند را تحسین می‌کنم. تا زمانیکه فیلمها به سراسر جهان می‌روند مجله‌های فیلم نیز اینگونه‌اند. و موضوع آنها، عنوان آنها، پیام آنها، و داستانشان مشابه می‌باشند. تنها چیزی که تغییر می‌یابد فقط نام ستاره‌های فیلمها و احتمالاً چگونگی نمایش آن است. هر هنرپیشه زن یا مرد که وارد سینما می‌شود کاملاً با حقایق آن آشنا می‌شود. و علیرغم آنکه از پیش برای همکاری با مجله تعلیم داده می‌شوند از شرکت، همکاری و ژست گرفتن برای عکس و مصاحبه کردن خوشحالند. تا زمانیکه چیزی آنها را ناراحت کند؛ خودشان را یکدفعه نشان می‌دهند. و آن هنگام به طور ناگهانی می‌خواهند همه چیز فقط برای آنها تغییر کنند: «من» این را نمی‌خواهم. «من» به دیگران اهمیتی نمی‌دهم؛ ستاره‌های تقلبی!

در درجه اول نمی‌دانم چه چیز باعث می‌شود تا آنها نسبت به همکاران پیش از خودشان احساس امتیاز و ویژگی بیشتری کنند.

ستارگان سینما با انتخاب این شغل خطر جدی‌یی را متوجه زندگی شخصی خود کرده‌اند. اگر آنها بخواهند همانگونه که امتیازها را قبول دارند، حقایق را نیز بپذیرند به سودشان نمی‌باشد. و این خصوصیت هر شغلی می‌باشد. و در مورد ستارگان سینما و گزارشگران نباید فراموش کنیم که این روشی است که توسط هر دوی آنان تداوم دارد. روشی که بدون شرکت، همکاری و کمک هر دوی آنها امکان‌پذیر نیست. روشی که به آن اعتقاد داریم دارای امتیاز و زیان برای هر دو طرف می‌باشد. و از آنجاییکه هیچ تحمیلی از سوی ما نیست و هر ستاره سینمایی همیشه اختیار آن را دارد که از همکاری با ما امتناع کند پس نمی‌دانم چرا از سوی آنان استثناء و یا شرایطی وجود



بهرتر است که ستارگان سینما نگاهی به اطراف خود بیاندازند. گفتن آن راحت است که بگویم «فیلم با من چنین کرد و مصومیت من را از بین برد» یا «به من مهارت را آموخت».

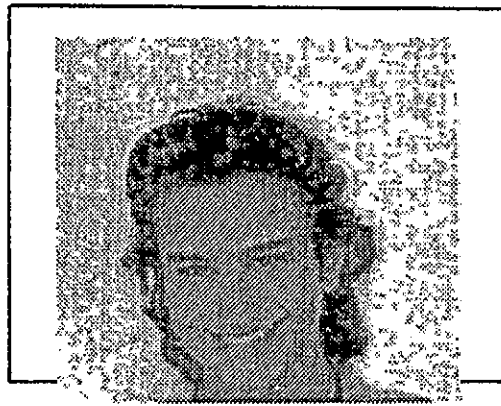
من را ببخشید صنعت فیلم را خود شما ساختید. شما ابزار آن هستید. زیرا شما خود چیزی از آن می‌باشید. اگر صنعت فیلم خوب نیست به خاطر این است که شما خوب نبوده‌اید. «صنعت فیلم» خود شما هستید و ما مسجله‌های فیلم چیزی هستیم که «صنعت» نامیده می‌شود ما فقط چیزهایی که وجود دارند را بازگو می‌کنیم. پس به جای

آنکه از معلول شکایت کنیم علت را از بین ببریم. خانم آیشواریا ما را دو کورور جریمه کرد. و به خاطر حقایقی که نوشته بودیم یک سیلی به صورتمان زد. قبلاً هنرپیشه‌های دیگر نیز با ما اینگونه رفتار کرده بودند. به راستی مقصود آنان که اینگونه رفتار می‌کنند چیست؟ تهدید؟ سرکوبی حقایق؟ جلب توجه کردن؟ یا پول گرفتن؟

آنها بدون شک می‌دانند که سالها به طول می‌انجامد تا به پای میز محاکمه بروند. و در حال حاضر رسانه‌های گروهی را تحت فشار قرار می‌دهند و از خود دور می‌کنند. خوب من کسی نیستم که به سادگی این تهدیدات را بپذیرم و از کارم دست بکنم. من زیاد به مشروعات و قانون کشور آگاهی ندارم اما اگر حتی قانونی، روزنامه‌نگاری را ملامت کند فقط به دلیل آنکه با شخصی که به او توهین کرده، تند برخورد کرده است، قصد دارم به کارم ادامه دهم و از آن حمایت کنم.

با تمام نیرویی که دارم می‌خواهم با «آیشواریا» مبارزه کنم. اگر قانونی وجود داشته باشد که از او حمایت کند مطمئنم از من نیز حمایت می‌کند. بدینوسیله او می‌تواند ادامه دهد و بگوید داستان «Story & Style» در آخرین نشریه فقط تصور توخالی من بوده و همچنین برای این ادعای دروغینش دو کورور بگیرد. و کمی مشهور شود. اینجا، کشور آزادیهاست همانقدر که برای او آزادی وجود دارد برای من نیز چنین است. می‌خواهم بدانم آیا قانونی بر علیه ستارگان سینما وجود دارد یا نه و دوباره ما را به دلیل آنکه نامشان را آشکار می‌کنیم دروغگو و جاعل می‌پندارند. البته می‌دانم قانونی بر علیه نوشتن حقایق وجود ندارد. در نتیجه به جای آنکه به این حقیقت متکی باشیم که اینگونه سخنها سالها به طول می‌انجامد تا پای میز محاکمه رود پیشنهاد می‌کنم ستارگان سینما در مورد چیزهایی که برای آنان اتفاق خواهد افتاد صادق باشند، چون این آنها را برای همیشه از تنها عدری (روزنامه‌نگاران فیلم، مطالبی که می‌نویسند بی‌اساس است) که تا به امروز سیر آنها بود محروم می‌کند.

**پاورقی**  
۱- روزنامه‌نگاری زرد، آبی یا سیاه، به سبکی از روزنامه‌نگاری گفته می‌شود که در آن روزنامه‌نگاران به دنبال شایعات، خیره‌های پشت پرده و مسایل خصوصی زندگی افراد برجسته می‌باشند.



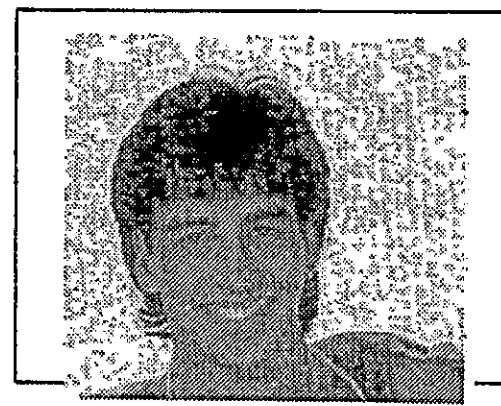
مردم به یک پیام گروهی، عصبانی شدن از یک اشتباه در اینجا و آنجا کار بی‌ارزشی می‌باشد. و منظور من در اینجا «آیش رایی» نمی‌باشد. و در آن مورد منظورم واضح می‌باشد. من در «اشتباه» نیستم.

ببینید چطور هنگامیکه مورد تحسین قرار می‌گیرند خود را آراسته می‌کنند و به دیگران احقانه می‌نگرند و خشنود می‌شوند و چگونه زمانی که مورد انتقاد قرار می‌گیرند متنفر می‌شوند. کسانی که زندگیشان به عقاید عام بستگی دارد از عهده این سؤال بر نمی‌آیند. اما آیا حق دخالت در برخی مسایل خصوصی را نداریم؟ چرا باید زندگی خصوصیمان را در حرفه‌مان دخالت دهیم. آری، چرا باید اینطور باشد؟ مگر آنکه خود شما خواسته باشید. هر ستاره سینما آن چیزی را که باید، از خود ارایه می‌دهد. این عقیده که چرا نباید زندگی «شخصی» آشکار شود، عقیده اشخاصی است که خود، آن را رعایت نمی‌کنند.

کسانی که خود را در این رابطه مورد اتهام قرار می‌دهند از افشاگری، هیاهو، سروصدا و نمایش حیات می‌کنند. بلکه، افراد کمی هستند که از هوش بالایی برخوردارند و برای زندگی شخصی‌شان به اندازه کافی احترام قایلند و از آن حفاظت می‌کنند و خُب به آن آسیبی هم نمی‌رسد. اما نمی‌توانید آن را در کف دست ما قرار دهید و انتظار داشته باشید که فرصتها را غنیمت بشماریم. ما همانند شما وظیفه‌ای داریم که باید آن را انجام دهیم.

در هر صورت در هر مجله فیلمی چند رسواگری وجود دارد به همین خاطر ما را روزنامه‌نگاران بسیار کنجکاو می‌پندارند؟ یک نشریه دنباله‌دار فیلم شامل مصاحبه‌های کمتری می‌باشد و همینطور عکسهای جذاب کمتری دارد و بیشتر حاوی اطلاعاتی در مورد صنعت فیلم می‌باشد. و شاید هم یک خبر داغ خبری است که پیش از این کشف نشده، فاش نشده و کسی درباره آن چیزی نگفته است. آن می‌تواند یک «ارتباط جدید» یا «پیشرفتی در یک ارتباط» باشد و یا خبر جنگ یا آتش‌بس یا خبری کوتاه و افشاگری بی‌جدید. مطمئناً کاری خبیثانه نیست. در نتیجه می‌خواهم بدانم این سروصداها دیگر چیست همینطور این جنون روزنامه‌نگاری کنجکاوانه. آنها می‌گویند در مورد زندگی شغلی ما مطلب بنویسید. این آرزوی ما است، اما، به ندرت چیزی برای گفتن داریم. بگذارید ببینم. حالا می‌خواهم درباره آکشی، سیف، سونیل، شیلیا شتی، سونالی بندر، راوینا تاندون، ارمیلا ماتوندکار، یا فیلمهای مامتا کولکارتی و موفقیت‌هایشان مطلب بنویسم. چه باید بنویسم؟! تمام چیزی که می‌بینم تنها، رقص، آواز، مشت‌زنی، زور و خشونت است. کجا هستند بازیگرانی که باید درباره‌شان مطلب نوشت؟ کجایند فیلمهایی که بتوان درباره آن‌ها مطلب نوشت؟ به جز تعداد محدودی از ستارگان سینما و چند فیلم خوب، چه چیزی وجود دارد که این صنعت باید به ما بدهد؟

یک مجله تنها موفقیت‌های استثنايي زمان خود را منعکس می‌کند همینطور می‌تواند داخل سالن نمایش را نشان دهد. در نتیجه قبل از اینکه روی مانگشت بگذارید



همانگونه که شغل آنان دارای ویژگیهایی می‌باشد، شغل ما نیز چهارچوبهایی دارد. چرا از ما انتظار می‌رود تا برای توافق با آنها از خواسته‌های شغلیمان چشم‌پوشی

کنیم؟ به ضرورت‌های شغلیمان اهمیتی ندهیم؟ چون به احساسات آنها لطمه وارد می‌شود. نه این هرگز اتفاق نمی‌افتد. همیشه نمی‌توان خویشتن‌دار بود. سالها سازش و مهربانی میان گزارشگران و ستاره‌های سینما برقرار خواهد بود اگر این سازشها و ملاحظات دو طرفه باشد نه یک طرفه. تعدادی از آنان هستند که با قید و بندهای حرفه ما آشنایی دارند؛ اما تعداد کمی به این چهارچوبها احترام می‌گذارند. با کمی تفکر در می‌یابید که روزنامه‌نگاران با موارد زیانبار، بیشتر مخالفند تا ستاره‌های سینما.

یکی از مواردی که پیش از این نیز به آن اشاره کردم این است که شرکت در مصاحبه تنها به میل آنان می‌باشد. انجام مصاحبه به راحتی آنها، وقتشان، جایگاهشان و تمایزشان بستگی دارد و دیگر آنکه آنها می‌توانند رو در رو به شما دروغ بگویند و شما کاری نمی‌توانید بکنید. آنها می‌توانند ما را دروغگو خطاب کنند و ما نمی‌توانیم کاری بکنیم. آنها زمانی که به ما نیاز دارند ما را به سوی خود جذب می‌کنند و زمانی که به ما نیاز ندارند از ما دوری می‌کنند. و ما باز هم نمی‌توانیم کاری بکنیم.

آنها نافرمانی می‌کنند، همسرانشان را ترک می‌کنند، قلب خیلی‌ها را می‌شکنند، باعث آزار و اذیت خانواده‌هایشان می‌شوند و همچنین ما را سرزنش می‌کنند؛ اما ما کاری نمی‌توانیم بکنیم. آنها ما را دروغگو، زرد، آبی، سیاه خطاب می‌کنند و ما چیزی نمی‌توانیم بگویم. کلمات شرم‌آور و خون و خون‌ریزی از کجا آمده است؟ چرا و به چه علت؟

مجله‌های فیلم تنها صنعت فیلم را گسترش می‌دهند. چه چیز باعث هتک حرمت ناخودآگاه از سوی آنان به ما می‌شود.

می‌دانم که آنها تصور می‌کنند که روزنامه‌نگاران (گزارشگران) فقط می‌نشینند و داستان‌سرایی می‌کنند و یا سخنها رسواگریانه‌ای سرهم می‌کنند تا تیراژ روزنامه‌هایشان را بالا ببرند. اما این صحبتها چیزی بیش از یک عادت می‌باشد. و بیشتر صحبت‌هایی بی‌منطق است تا جملات پخته.

از میان صدها داستان چاپ شده در نشریه‌های گوناگون مجلات فیلم در طی سالها پیش از چند داستان مورد قبول واقع نشده؟ البته از آنجاییکه هر نوعی از روزنامه‌نگاری شدیداً به اطلاعات تکیه می‌کند راه رهایی وجود دارد. اطلاعات می‌تواند اشتباه باشد. اما این تصور که روزنامه‌نگاران شیاطینی هستند که فقط می‌نشینند و داستانهای خبیثانه سرهم می‌کنند تا سسی برای افکار خوانندگانشان باشد کمی غیرمعتادانه به نظر می‌آید، اینطور نیست؟

آری این وظیفه ما است تا حقایق را بیابیم و تنها واقعیت را آشکار کنیم گرچه سعی خود را می‌کنیم اما گاهی غیرممکن است. پس از یک رضایت کامل از توجه